

منتخب التّواریخ

تألیف
حاج محمد هاشم عراسا

جلد دوم

نایخ
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام

تتقیق و تصحیح مؤسسہ جهانی بیطن بیٹن

خراسانی، محمد هاشم، ۱۲۴۲ - ۱۳۱۲.	: سرشناسه
منتخب التواریخ / تالیف محمد هاشم خراسانی.	: عنوان و نام پدید آور
قم: موسسه جهانی سبطین (ع)، ۱۳۹۹ -	: مشخصات نشر
ج ۷.	: مشخصات ظاهری
۶ - ۳۷ - ۷۰۷۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸	: شابک دوره
۷ - ۴۳ - ۷۰۷۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸	: شابک جلد ۲
فیبا	: وضعیت فهرست نویسی
چهارده معصوم -- سرگذشتنامه	: موضوع
Fourteen Innocents of Shiite -- Biography*	: موضوع
چهارده معصوم -- احادیث	: موضوع
Fourteen Innocents of Shiite -- Hadiths*	: موضوع
BP۳۶	: رده بندی کنگره
۲۹۷ / ۹۵	: رده بندی دیویی
۵۷۱۸۵۱۲	: شماره کتابشناسی ملی

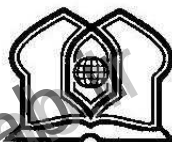
ایران: قم، خیابان انقلاب (چهارمردان) کوچه ۲۶، پلاک ۴۷ و ۴۹

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۰۳۴۳۰ فاکس: ۰۲۵ - ۳۷۷۰۶۲۳۸

قم: خیابان معلم - مجتمع ناشران - طبقه اول - پلاک ۱۰۶

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۸۴۲۴۱۹ ۰۲۵ - ۳۷۸۴۲۴۲۰

www.sibtayn.com & Email: sibtayn@sibtayn.com



مؤسسه السبطین بن قماله
SIBTAYN INTERNATIONAL FOUNDATION

شناسنامه کتاب

نام کتاب: منتخب التواریخ / ج ۲
 مؤلف: ملا محمد هاشم خراسانی
 تحقیق و تصحیح: مؤسسه جهانی سبطین
 ناشر: مؤسسه جهانی سبطین
 نوبت و تاریخ چاپ: اول، ۱۴۰۰ هجری شمسی
 چاپ خانه: سرمدی
 قطع: وزیری
 تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
 شابک جلد ۲: ۶ - ۳۷ - ۷۰۷۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸
 شابک دوره: ۶ - ۳۷ - ۷۰۷۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸

حق چاپ برای مؤسسه جهانی سبطین محفوظ است

باب سوم

در اسم و لقب و کنیه و نسب و تاریخ ولادت با سعادت و رحلت حضرت

امیر المؤمنین علی‌السلام

و در تعیین زوجات و اولاد و اقارب و حواریین
و بعضی از تواریخ متعلّقه به آن بزرگوار
و در ذکر قبور متبرّکه و واقعه در کوفه و نجف اشرف
و حوالی و اطراف آن

و در این باب، مقدّمه، دوازده فصل و یک خاتمه است:

[انحصار ائمه الهی به عدد دوازده و ذکر مناسبات آن]

بدان که اوصیای حضرت پیغمبر ﷺ دوازده نفر بودند که اول آن‌ها، حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است و آخر آن‌ها، حضرت حجة بن الحسن علیه السلام است؛ و علما از برای انحصار عدد ائمه به دوازده، مناسباتی بیان کرده‌اند:

مین جمله آن که این عدد، مطابق است با [عدد ابجدی] حروف «لا اله الا الله»، و با عدد حروف «محمد رسول الله ﷺ»، و با عدد حروف «امیرالمؤمنین علیه السلام»، و با عدد حروف «علی بن ابی طالب علیه السلام»، و با عدد حروف بعضی از اسماء الحسنی، و با عدد حروف «مُحِبِّهِمْ فِي الْجَنَّةِ»^(۱)، و با عدد حروف «عَدُوَّهُمْ فِي النَّارِ»^(۲).

و مین جمله آن که این عدد مطابق است با عدد نُقبای بنی اسرائیل^(۳) که در سوره

۱. دوست‌دارشان در بهشت است.

۲. دشمنشان در آتش است.

۳. نُقبای بنی اسرائیل: واژه «نُقبأ» جمع «نَقِيب» از ماده «نَقَب» به معنای روزنه‌های وسیع؛ و در لغت به معنای دانا و آگاه از اسرار، کفیل ضامن، همانند دار و سرپرست قوم است. به گفته مفسران، حضرت موسی علیه السلام به دستور خداوند، از هر یک از سیاط دوازده گانه بنی اسرائیل، یک نقیب را برای قوم خود برگزید. آنان رسولان موسی علیه السلام در میان قوم خود بودند؛ و برخی بر این باورند که نقبا، بعد از موسی علیه السلام به پیامبری برگزیده شدند. بر اساس برخی تفاسیر، موسی علیه السلام، نقبای بین اسرائیل را مأمور گردآوری اطلاعات از سرزمین شام و ستم‌گران مناطق مختلف آن سرزمین کرد. ثعلبی در الکشف والبيان نام دوازده نقیب موسی علیه السلام را چنین ذکر کرده است: ۱. شامل بن ران؛ ۲. شاقاط بن حوری؛ ۳. کالب بن یوقنا؛ ۴. مقابل بن یوسف؛ ۵. یوشع بن نون؛ ۶. قنطم بن آرقون؛ ۷. عدی بن عدی؛ ۸. جدی بن قامن؛ ۹. بیانون ابن ملیکا؛ ۱۰. نفتالی محر بن وقسی؛ ۱۱. حملاتل بن حمل؛ ۱۲. سابور بن ملیکا. در روایات متعددی، رسول اکرم ﷺ شمار جانشینان خود را به تعداد نُقبای بنی اسرائیل دانسته است. ر.ک: خلیل بن احمد فراهیدی، العین: ج ۵، ص ۱۷۹، ماده «نقب»؛ احمد بن حنبل، مسند: ج ۱، ص ۳۹۸؛ ابویعلی، مسند: ج ۸، ص ۴۴۴؛ شیخ صدوق، الخصال: «ابواب دوازده گانه»، ص ۴۶۷ - ۴۶۹؛ خزاز قمی، کفایة الأثر: ص ۲۷؛ راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن: ص ۸۲۰؛ ابن منظور، لسان العرب: ج ۱، ص ۷۶۹، ماده «نقب»؛ ثعلبی، تفسیر الکشف والبيان: ج ۴، ص ۳۶ و بحار الأنوار: ج ۳۶، ص ۳۴۲ - ۳۴۳.

مائده می فرماید: ﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا﴾^(۱).

و در مجمع البیان فرموده: «نقیب قوم، مثل کفیل و ضمین است که می شکافد اسرار را؛ و از این قبیل است نقاب المرأة^(۲) و مناقب، که به معنی فضایل است.»^(۳)
و من جمله آن که این عدد مطابق است با عدد اسباط^(۴) بنی اسرائیل که در سورة اعراف می فرماید: ﴿وَقَطَعْنَاهُمْ اِثْنَتَيْ عَشْرَةَ اَسْبَاطًا اُمَمًا وَاَوْحَيْنَا اِلٰى مُوسٰى اِذْ اَسْتَشْفَاہُ قَوْمُهُ اَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اِثْنَتَا عَشْرَةَ عَیْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ اُنَاسٍ

⇒ هم چنین درباره نقبای بنی اسرائیل ر.ک: محمد بن احمد بن شاذان قمی، مائده منقبة: ص ۷۲؛ امین الاسلام طبرسی، مجمع البیان: ج ۳، ص ۲۹۴ (در این کتاب، راجع به واژه «نقیب» بحث مفصلی مطرح شده است)؛ حسین وحید خراسانی، منهاج الصالحین: ج ۱، ص ۱۹۹ و علی کورانی عاملی، مجمع احادیث الإمام المهدی: ج ۵، ص ۸۷.

۱. در حقیقت، خدا از فرزندان اسرائیل پیمان گرفت و از آنان دوازده سرکرده برانگیختیم. سورة مائده: آیه ۱۲. ر.ک: ابن کثیر، تفسیر القرآن الکریم: ج ۲، ص ۳۳.

۲. نقاب المرأة: نقاب و روبند زن.

۳. طبرسی، مجمع البیان: ج ۳، ص ۲۹۴، ذیل آیه ۱۲ سورة مائده.

۴. اسباط: عنوان کلی قبایل بنی اسرائیل یا اسم عام انبیای بنی اسرائیل یا پیامبرانی از آل یعقوب (علیهم السلام). اسباط واژه ای عربی و جمع سبط، به کسر سین، به معنای «نوه» یا «فرزند فرزند» است. لفظ اسباط در قرآن، پنج بار و فقط درباره بنی اسرائیل استعمال شده است. اسباط بنی اسرائیل، دوازده تیره و ملّت بودند که هر تیره از آنان به یکی از فرزندان یعقوب (علیهم السلام) منتهی می شد. برخی از آنان بر ایمان و توحید خود باقی ماندند، ولی اکثر آنها کافر شدند. در آیه ﴿قُولُوا اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَمَا اُنْزِلَ اِلَیْنَا وَمَا اُنْزِلَ اِلٰى اِبْرٰهیمَ وَاِسْمٰعِیْلَ وَاِسْحٰقَ وَیَعْقُوبَ وَاَلْاَسْبَاطِ﴾ (سورة بقره: آیه ۱۳۶) اسباط از جمله کسانی شمرده شده اند که آیات الهی بر آنان نازل شده است، که نشان می دهد در میان ایشان پیامبرانی بوده اند. ولی نام بردن از آنها با لفظ جمع و پرهیز از ذکر نام یکایک آنها، می تواند نشان از پایین بودن مقام و منزلت اسباط نسبت به پیامبران مذکور داشته باشد. در روایات، این واژه برای گروه های متعلّق به دوره های زمانی مختلف اطلاق می شود؛ مانند اسباط موسی، اسباط یعقوب، اسباط قبل از موسی و اسباط عرب؛ و امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) «سید الاسباط» خوانده شده اند. ر.ک: دانشنامه کلام اسلامی: ج ۱، ص ۳۵، مدخل «اسباط» و دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ج ۸، ص ۱۲۸، مدخل «اسباط».

مَشْرَبُهُمْ»^(۱).

در مجمع البیان فرموده: «و صحیح آن است که اسباط در اولاد اسحاق، به منزله قبایل است در اولاد اسماعیل؛ یعنی متفرق گردانیدیم اولاد یعقوب را به دوازده فرقه؛ چون اولاد یعقوب دوازده نفر بودند و از برای هر یک از آنها اولاد و نسلی بود؛ پس هر فرقه‌ای از آنها سبط و امتی شدند.»^(۲)

و من جمله این که این عدد مطابق است با برج‌های آسمان و ماه‌های سال و با عدد ساعات شب و روز^(۳).

و من جمله آن که پیغمبر ﷺ فرمود: «الْأُتَمَّةُ مِنْ قُرَيْشٍ»^(۴)؛ و «قریش» لقب نَضْر بن کنانه^(۵) است و هر کس از اولاد نضر بن کنانه باشد، او قرشی

۱. و آنان را به دوازده عشیره، که هر یک امتی بودند، تقسیم کردیم. و به موسی - وقتی قومی از او آب خواستند - وحی کردیم که با عصایت بر آن تخته سنگ بزن؛ پس، از آن، دوازده چشمه جوشید. هر گروهی آبشخور خود را ساخت. سورة اعراف: آیه ۱۶۰.

۲. طبرسی، مجمع البیان: ج ۴، ص ۳۷۶، ذیل آیه ۱۶۰ سورة اعراف.

۳. در برخی از آیات قرآن مجید، به تعداد ماه‌ها و منازل ماه و خورشید اشاره شده است: (الف) «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ...»؛ تعداد ماه‌ها نزد خداوند در کتاب (آفرینش) الهی، از آن روز که آسمان‌ها و زمین را آفریده، دوازده ماه است که از آن، چهار ماه حرام است. سورة توبه: آیه ۳۶.

(ب) «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عِدَّةَ السِّنِينَ وَالْحِسَابِ...»؛ و خداوند کسی است که خورشید را روشنایی و ماه را نور قرار داد و برای آن منزل‌گاه‌هایی مقدر فرمود تا عدد سال‌ها و حساب (کارها) را بدانید. سورة یونس علیه السلام: آیه ۵.

(ج) «وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ غَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ»؛ و برای ماه منازلی قرار دادیم تا مانند چوب خشک باز گردد. سورة یس: آیه ۳۹.

در باره تأویل «ایام» به امامان معصوم علیهم السلام و روایات مربوط به آن ر.ک: الهدایة الکبری: ص ۳۷۷-۳۸۸؛ بحار الأنوار: ج ۲۴، «باب ۶»، ص ۲۳۹ و تفسیر نمونه: ج ۷، ص ۴۰۶.

۴. امامان از قریش هستند. صحیح مسلم: ج ۶، ص ۱۶۸؛ شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا علیهم السلام: ج ۱، ص ۵۴ و بحار الأنوار: ج ۲۵، ص ۱۰۴، ح ۱.

۵. نَضْر بن کنانه بن خَدِیمه بن مَذْرَکه عدنانی، مکنّا به «ابویخلد» و «ابوالصلت» و ملقب به

است^(۱).

پس اوّل کسی که متّصف شد به صفت قُرشی بودن، جناب مالک بن نضر بن کنانه است که جدّ دوازدهم پیغمبر (علیه السلام) است، چنانچه در مقدّمه کتاب گفته شد^(۲). و مرکز دایره شرافت، وجود نازنین پیغمبر (علیه السلام) است که از او سلسله قُرشیّه و سلسله امامت منفصل می شود و هر یک مانند دو خطند که از مرکز محمدی (علیه السلام) منفصل می شوند و هرگاه آخر خطّ خارج از مرکز به طرف قرشی دوازده باشد، لابدّ از طرف خطّ امامت هم دوازده خواهد بود؛ چون محال است دو خطّ خارج از مرکز دایره به طرف محیط، متفاوت باشند.

* * *

⇒ «قریش»، از اجداد رسول اکرم (علیه السلام) و نیای بزرگ قبیله قریش. مادرش هاله، دختر سوید بن غطریف، یا بزه، دختر مرّ بن أد بن طابخه بود. گفته شده است که نام او «قیس» بوده و به علت زیبایی به «نضر» ملقب شده است. نسب شناسان عقیده دارند که «قریش» لقب نضر بن کنانه، جدّ دوازدهم پیامبر (علیه السلام)، بوده است و لذا هر طایفه ای که نسبش به وی برسد، از قریش به حساب می آید. در وجه تسمیه او به «قریش» اقوال مختلفی مطرح است؛ گویند نضر در دریای فارس در کشتی نشسته بود، ناگاه حیوانی عظیم الجثّه که آن را قِرَش (= کوسه) می گویند، به کشتی نزدیک شد و ساکنان کشتی از آن ترسیدند. نضر به آن حیوان تیری زد و بعد آن را از دریا برگرفت و به مکه برد؛ پس از آن به مُصَعَّر قِرَش یعنی «قُریش» موسوم گشت. برخی می گویند: قریش از «قَرَش» به معنای اجتماع است. عده ای دیگر می گویند: از «قَرَش» به معنای تجارت و بازرگان اخذ شده است. به گفته ای دیگر، مادرش او را قریش نامید. دایره المعارف نشیخ: ج ۱۳، ص ۱۲۴، ضمن مدخل «قریش» و زرکلی، الأعلام: ج ۸، ص ۳۳ و ر.ک: ابن سعد، الطبقات: ج ۱، ص ۴۷؛ تاریخ یعقوبی: ج ۱، ص ۲۳۲ و ۲۳۳؛ بلاذری، أنساب الأشراف: ج ۱، ص ۱۶ و ۴۳؛ تاریخ طبری: ج ۲، ص ۲۶۳ و ۲۶۵ و بحار الأنوار: ج ۱۵، ص ۱۰۴-۱۰۶.

۱. ر.ک: ابن اثیر، الكامل فی التاریخ: ج ۲، ص ۲۷؛ رضی الدین علی حلی، العده القویة: ص ۷۹؛ مبارکفوری، تحفة الأحوذی: ج ۱۰، ص ۵۳ و شیخ عباس قمی، مستدرک سفینه البحار: ج ۸، ص ۵۰۰.

۲. بر اساس ترتیب اجداد پیامبر (علیه السلام) که مؤلف در مقدّمه منتخب التواریخ بیان کرده است، مالک ابن نضر جدّ یازدهم، و نضر بن کنانه جدّ دوازدهم رسول اکرم (علیه السلام) است. ر.ک: جلد اوّل، ص ۹۰.